

□ جهان انباشته از اطلاعات بی‌فایده و نادرست است

خششه

و پیامدهای آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کوروش نوروزمرادی / کارشناس بخش نشریات



خششه است؛ امکانات، بودجه، نیروی انسانی و توانایی‌های کتابخانه‌ها محدود است، در حالی که مصرف‌کننده و مهمتر از همه اطلاعات، با سرعت هر چه بیشتر رو به فزونی است. کتابخانه نمی‌تواند همه اطلاعاتی را که در دنیا منتشر می‌شود، با بودجه و توانایی محدود جمع‌آوری نماید، بنابراین دچار نوعی خششه می‌شود. اگر کتابخانه در تهیه همه اطلاعات و هماهنگ شدن با تکنولوژی زمان و سرعت تولید اطلاعات به موفقیت نایل آید، باز از آن جایی که تعداد انتخاب‌ها در تصمیم‌گیری را برای مراجعان زیاد می‌کند، در واقع موجد آن‌تروپی می‌گردد، زیرا طبق نظریه اطلاعات، هر چه احتمال بیشتر باشد، آن‌تروپی بیشتر می‌شود، در نتیجه حضور اطلاعات کمتر است؛ بنابراین باز مراجعان دچار خششه می‌شوند.

تنودور روزاک در این زمینه می‌نویسند: "ما داریم خودمان را با این تصور غلط خفه می‌کنیم که داشتن اطلاعات زیاد بهتر از این است که اطلاعاتمان بسیار کم و جزئی باشد. ما ظاهراً معتقدیم که هر قدر اطلاعات بیشتری داشته باشیم، قدرت انتخابمان بیشتر است؛ اما متوجه نیستیم که اگر نظریه اطلاعات درست باشد و اگر اطلاعات و آن‌تروپی دو کفه ترازو باشند، وضعیتی بیش از پیش بی‌نظم ایجاد می‌کنیم."

بنابر آنچه گفته شد، عضوگیری آزاد و بدون شرایط کتابخانه‌هایی نظیر مجلس و باز بودن درهای این کتابخانه‌ها به روی عموم، بسیار ستودنی و در خور تمجید است، اما به چه قیمتی؟ آیا نباید امکانات و توانایی‌های کتابخانه نیز با همان نسبت عضوپذیری و سرعت تولید اطلاعات هماهنگ باشند؟ خششه حاصل از آن را چه کسانی کم خواهند نمود؟ چه کسانی قربانیان این خششه‌اند؟

مهمترین قربانیان خششه در کتابخانه مجلس، کتابدارانی هستند که مستقیماً با مراجعان سر و کار دارند. رابطان اطلاعاتی کسانی که از یک سو می‌خواهند انبوه اطلاعات را به گیرنده برسانند، دچار خششه‌ای بیشتر هستند. از آن میان، رابطان اطلاعاتی بخش اطلاع‌رسانی کتابخانه مجلس به دلیل اضافه بار اطلاعاتی صدمه بیشتری نسبت به سایر بخش‌ها خواهند خورد. نسبت حجم اطلاعات ذخیره شده و یا قابل دسترسی این بخش از سایر بخش‌ها بیشتر است و از سوی دیگر این بخش با تنوع پرسش‌ها روبروست که همه زمینه‌ها را در بر می‌گیرد. بنابراین فشار هنگفتی بر رابطان اطلاع‌رسانی این بخش وارد می‌شود. پس از آنها کتابداران بخش‌هایی چون: مرجع، نشریات انواری، امانت کتب و بخش فراهم‌آوری بیشترین صدمات ناشی از خششه را می‌بینند. بخش فراهم‌آوری ضمن آن که خود دچار خششه‌اند، با انتخاب منابع، به شدت خششه کتابخانه را کم می‌کنند. محدودیت‌های مالی، اعمال سلیقه در انتخاب، ازدحام منابع و مهمتر از همه، عدم برنامه مدون و سیاست مکتوب فراهم‌آوری در هفتاد سال گذشته، مدلول خششه و افزایش آن‌تروپی در این بخش بوده

گوش می‌رسد، بیرون از خانه بادی می‌وزد و پنجره‌ها به هم کوبیده می‌شوند، همه آنها عاملی می‌شوند تا حواستان مغشوش شده از دریافت پیام کتاب باز ماند. هر یک از این موارد می‌تواند یک خششه یا پارازیت حقیقی باشد.

ب) خششه زبانی: این خششه محصول عدم معنا شناختی یک زبان مشترک و یا حتی فقدان زبان مشترک بین فرستنده و گیرنده است.

مطالعه یک متن مصنوعی قرون گذشته می‌تواند برای یک مطالعه‌کننده تازه کار، خششه زبانی ایجاد نماید.

ج) خششه درونی: این نوع خششه، ارتباط تنگاتنگی با خششه زبانی دارد، اما سر و کار آن بیشتر با معنای نمادین و نمایی پیام‌ها است.

د) خششه روانی: نوعی از خششه است که بیشتر پزشکان، کارگزاران اقتصادی، محققان، دانشمندان، کتابفروشان و رابطان اطلاعات، کتابداران و اطلاع‌رسانان و سازمان‌هایی که با جمع‌آوری و اطلاع‌رسانی اطلاعات

سر و کار دارند، قربانیان آنند. این خششه ناشی از تأثیرات انواع خاص اطلاعات بر رفتار انسان است. با ارسال سریع اطلاعات، اضافه بار اطلاعاتی، ریزش اطلاعات در یافت حجم زیاد اطلاعات و در نتیجه توسعه دامنه انتخاب را می‌توان از محرک‌های تولید این خششه نامید. محدودیت‌های فیزیولوژیکی انسان در رویارویی با دریافت حجم زیاد اطلاعات، موجب می‌شود که او به دریافت دقیق و کامل اطلاعات نایل نگردد و در مواقع سرعت در تصمیم‌گیری انتخاب، حجم زیادی از اطلاعات باعث ایجاد نوسان‌هایی در رفتار شود و تمرکز و توجه او را روی مدخلی خاص به هم بریزد. فشارهایی که در نتیجه حاصل از اضافه بار اطلاعاتی به کتابداران وارد می‌شود، ممکن است ارادی و یا غیر ارادی به سیستم‌های دفاعی روی آورند و بین او با همکاران، مراجعان و حتی خانواده‌اش، واکنش‌های ناهنجار ایجاد نماید. همان طوری که کتابدار قربانی خششه است، کتابخانه نیز دچار

در تعریف رسانه‌ای، خششه یا NOISE به سیگنال ناخواسته‌ای گویند که در یک نظام الکترونیکی وارد می‌شود و یا علامت خلق شده در یک سیستم که افکار را به سمت و سوی علامت مورد نظر می‌کشاند. به تعبیری دیگر، در هر نظام (سیستم)، به عواملی که تولیدکننده اختلال باشد، خششه می‌گویند. احتمال وقوع خششه در هر جا که اطلاعات ابلاغ و منتقل بشود، وجود دارد، نظیر پارازیت رادیویی، زباله کامپیوتری، نور خیره‌کننده چراغ‌های اتومبیل، ذرات که موجب خرابی فیلم نگاتیو در عکاسی می‌شوند، غلط‌های چاپی، تحریف شایعات، خششه ژنتیکی، مداخله بین نیمکره‌های مغز و نظایر آن.

خششه به این معنای کلی و گسترده، مفهومی اساسی برای تحلیل همه نظام‌های زیستی و اجتماعی و نیز تکنولوژی اطلاع‌رسانی است؛ نوعی آن‌تروپی ارتباطی است که به زور وارد اطلاعات می‌شود و در سطح انسانی به این دلیل که اتفاقی و فاقد پیام است، رودرروی معنا قرار می‌گیرد.

در نگاهی دیگر خششه را می‌توان مانند سانسور و خودسانسوری دید، یا لاقط نتایج هر دو را یکسان تلقی نمود و یا حتی سانسور و خودسانسوری را نیز نوعی خششه شمرد.

خششه مخل است، زیرا موجب آن‌تروپی می‌شود؛ هر گاه آن‌تروپی در سیستمی حضور یابد، اطلاعات کمتری در آن سیستم قرار دارد. خششه نظم موجود را به هم می‌زند و احتمال استنباط معنا را کم می‌کند. در حقیقت خششه می‌تواند به هر یک از حواس ما بتازد و ارتباط ما را قطع کند. خششه معمولاً به چهار شکل ظاهر می‌شود:

الف) خششه حقیقی: این خششه در گیرنده ایجاد اختلال شنیداری می‌نماید، وارد کانال ارتباطی می‌گردد و باعث قطع و یا تناخل در انتقال پیام می‌شود تا جایی که خود خششه جزئی از پیام می‌گردد. به عنوان نمونه، در منزل در حال مطالعه کتابی هستید، ناگهان صدای جیغ فرزندان و یا صدای تلویزیون و یا آشپزی خانم خانه به

۱- معادل این واژه فنی را در زبان فارسی «خششه» یا «نوفه» گذاشته‌اند و آن در لغت‌نامه دهخدا به معنی آواز بلند است. خروپله (لغت فرس)، شور و غوغا و صنا و آواز بلند (برهان قاطع)، غوغایی که از کثرت ازدحام مردمان یا جانوران خیزد (ناظم‌الاطباء) نیز معنی شده است. با نمره اسبان چه کنم لحن معنی با نوفه گردان چه کنم مجلس و گلشن (ابراهیم یزاز)

2- Encyclopedia of Library and Information science VOL 20/p:

۳. جان باد، ارتباط‌شناسی و کتابداری، (تهران: سروش، ۱۳۷۷) ترجمه محبوبه مهاجر و نورالله مرادی، ص ۱۹۹.

4- Orrin E. klapp, overland and Boredow. Essays on the Quality of life in the Information society (westport, CT: Greenwood pre, 1980), 84.

7- Theodore Rosrak, the Cult of Information (New York: pan the, 1986), p.11s.

۶. جان باد، همان، ص ۲۰۲.

۵. جان باد، همان، ص ۲۰۴.

معرفی یک ترجمه در کتابخانه مجلس

“نوشته‌های چند خطی،
چند زبانی و
چند کاراکتری
در محیط پیوسته”

ویرایش جان د. بیروم و الیویا مدیسن^۱
علی خاکپور / کارشناس ارشد کتابداری

کتاب “نوشته‌های چند خطی، چند زبانی و چند کاراکتری در محیط پیوسته” شامل مقالاتی است که در کارگاه آموزشی بخش فهرست‌نویسی ایفلا در شهر استانبول ترکیه در تاریخ ۲۴ اوت ۱۹۹۵ ارائه گردیده است و اولین بار توسط انتشارات ک.ج. سور^۲ در سال ۱۹۹۸ در مونیخ آلمان به چاپ رسیده است.

این کتاب شامل یک مقدمه و شش مقاله به همراه نقد و بررسی و نظر کارشناسان درباره مقالات ارائه شده است.

اولین مقاله که توسط آقای احمد چلنک اوغلو^۳ ارائه شده است، به بحث “تجربیات کشور ترکیه در ارتباط با فهرست‌نویسی نوشته‌های چند خطی، چند کاراکتری و چند زبانی” می‌پردازد. این مقاله توسط جناب آقای کالین هسن^۴ مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مقاله دوم با عنوان “نه مشکل در ارتباط با زبان عربی به قلم شارلوت وین” توسط جناب آقای جان آیلتنس^۵ نقد و بررسی گردیده است. مقاله سوم با عنوان “فهرست‌نویسی دبیره‌ها برای فهرست‌های چند زبانه کتابخانه‌های روسیه: تحلیل موقعیت مسأله” توسط ناتالیا ن. کاسپاروا^۶ و مقاله چهارم با عنوان “نظام فهرست‌های چند زبانه و مشکلات ایجاد شده در مرحله اول ایجاد پایگاه الکترونیکی” توسط لودمیلا ا. ترخوا^۷ ارائه گردیده‌اند. این دو مقاله توسط سرکار خانم هلن ف. اشمیبر^۸ مورد بررسی قرار گرفته است.

دو بخش مهمی که در کتابخانه مجلس ممکن است به شدت خشه را کم نمایند، بخش فهرست‌نگاری نسخ خطی و بخش سازماندهی مواد هستند. ملموس‌ترین خشه موجود در بخش نسخ خطی، خشه زبانی و خشه حقیقی است. خشه زبانی به دلیل دشواری دریافت اطلاعات ناشی از نوع خط و زبان و سبک‌های گوناگون ادبی قدیم این مواد است و خشه حقیقی به خاطر از قلم افتادگی‌ها، پارگی‌ها، پوسیدگی منابع، ناخوانا بودن و از بین رفتن متن برخی از کتب خطی است. فهرست‌نگار نسخ خطی با شناسایی و تعیین اطلاعات توصیفی و موضوعی کتب [که کاری است بسیار صعب و دشوار]، بخشی از خشه را از بین می‌برد. موقعی این کار کامل می‌شود که به نمایه درون متن نسخ و ریز و دقیق نمودن موضوعات کتب توجه شود و یا دست کم در تعیین موضوع از سر عنوان موضوعی استاندارد تبعیت نماید.

سازماندهی از آن جهت که وظیفه‌اش ایجاد نظم بین اطلاعات کتابخانه است، در نقطه مقابل خشه قرار دارد. بخش سازماندهی به شدت آنتروپی را کم می‌نماید و حضور اطلاعات را افزایش می‌دهد. فهرست‌نویسان از آن جایی که با تکیه بر سرعنوان موضوعی اطلاعات مشابه را گروه‌بندی می‌کنند و در رده‌بندی اطلاعات همگون را در قفسه کنار هم قرار می‌دهند و نیز کتابخانه را به سوی خودکار شدن و الکترونیکی سوق می‌دهند، یک نظم منطقی را در کتابخانه ایجاد می‌کنند و بدین طریق خشه را کم می‌نمایند.

دانشمندان، محققان، نویسندگان، پزشکان، مورخین و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و افرادی که با حجم زیادی از اطلاعات سر و کار دارند، دچار خشه اجتماعی شدید ناشی از اضافه بار اطلاعاتی هستند. کتابخانه مجلس می‌تواند با خودکار نمودن کتابخانه، سوق دادن کتابخانه به سوی کتابخانه بی‌دیوار، هماهنگ نمودن توانایی‌ها و ظرفیت‌های کتابخانه با سرعت تصاعدی افزایش اطلاعات، تبیین خط و مشی‌ها و اهداف کتابخانه به صورت مکتوب و تعیین حدود ثغور گستره خدمات‌دهی، خشه را کاهش دهد. ساده‌ترین شیوه کم کردن خشه، از بین بردن هر پدیده‌ای است که ایجاد پارازیت در ارتباط بین منبع و گیرنده می‌نماید.

همان گونه که در سال‌های اخیر قدم‌های مثبتی چون: تعبیه راه ورود و خروج کارمندان از خارج ساختمان، ایجاد جدار شیشه‌ای بین بخش امانت و سالن مطالعه، قرار دادن برگه‌دان‌ها در جای مناسب، ایجاد سالن مطالعه هر چند کوچک اما مستقل برای بخش‌های نسخ خطی و نشریات ادواری، تهیه میکروفیلم کلیه نسخ خطی، خارج نمودن بخش اداری از ساختمان کتابخانه و ایجاد هوایی مطبوع، برداشته شده است، اما پیشنهاد می‌شود لااقل برای کم‌تر نمودن خشه حقیقی در کتابخانه، دستگاه کپی را از مجاورت سالن مطالعه دور نماییم؛ بخش روابط عمومی را به مدخل ورودی کتابخانه انتقال دهیم؛ بخش مرمت و صحافی را از ساختمان کتابخانه خارج نماییم؛ و سالن مطالعه نشریات جاری را از لابی ورودی به یک فضای بزرگتر که محل رفت و آمد اعضای کتابخانه نباشد انتقال دهیم.

است. اخیراً تدوین این سیاست با تلاش و تشریک مساعی کارشناسان کتابخانه مجلس به انجام رسیده و دامنه انتخاب نیز محدود به حوزه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی شده است که قدم بزرگی برای رفع آنتروپی است. کم یا زیاد در این بخش اضافه بار وجود دارد گر چه خشه حاصل از این اضافه بار با تدوین سیاست فراهم‌آوری کم‌تر خواهد شد. خرید کتب در نمایشگاه‌های مختلف داخلی باعث وقفه‌ای در خرید منابع خارجی می‌شود که خود نوعی خشه محسوب می‌شود. بنابراین هر چه دامنه انتشاراتی در حوزه مرتبط با سیاست فراهم‌آوری بیشتر شود، آنتروپی این بخش افزایش می‌یابد.

بخش مرجع نشریات ادواری کتابخانه مجلس نیز دچار خشه است، رشد مطبوعات در چهار سال گذشته در ایران و پیشی گرفتن نشر مطبوعات از استاندارد معمول جهانی^۹، تنوع مقالات در مطبوعات، مشخص و دقیق نبودن موضوعات نشریات ادواری، کثرت عناوین نسبت به بخش نشریات ادواری سایر کتابخانه‌های کشور، نقص نمایه‌ها و فهرست مقالات مطبوعات در ایران، نداشتن نمایه ملی مطبوعات ایرانی، کانال ارتباطی منابع ادواری را با محققین بسیار مغشوش نموده است. بطور کلی کسانی که مانند آرشیو نشریات کتابخانه یا ذخایر اطلاعاتی بزرگ مرتبطاند، بیشتر در معرض اضافه بار حاصل از خشه قرار دارند. اخیراً آنچه در کتابخانه مجلس به ترمیم این کانال ارتباطی پرداخته شد، ایجاد پایگاه نشریات ادواری است، اما برنامه این پایگاه که پارس آدرخش آن را تدوین نموده است، دارای اشکالات پایه‌ای است. مهمترین اشکال این پایگاه آنست که به فهرست تحلیلی کمتر توجه نموده و در روزنامه‌ها فقط به فهرست توصیفی و موجودی بسنده کرده است.

جهان از آغاز قرن بیستم به سمت و سوی نمایه‌ها رفته است. نمایه جزء اجتناب‌ناپذیر مطبوعات و کتاب‌ها شده است. ما نیاز مبرم به نمایه ملی مطبوعات پارسی‌زبانان و مطبوعات ایرانی داریم تا گنجینه‌های مطبوعات انبار شده در کتابخانه‌ها را از آغاز تا کنون و با کمتر اشتباهی نمایه نماید. آنچه که هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور تحت عنوان “CD نمایه منتشر نموده، با همه نواقص‌اش، و کار استاد ایرج افشار در فهرست مقالات فارسی و “چکیده مطبوعات دوره ناصری” یکوشش سید فرید قاسمی، بزرگترین قدم در رفع خشه محققین و مورخین و کتابداران بخش نشریات ادواری بوده است. دست زدن به وجین نشریات نیز از آن جایی که به حذف اطلاعات تاریخ مصرف گذشته و اطلاعات زائد می‌پردازد نیز خشه را کم می‌کند.

فلسفه کار مرجع، کم کردن خشه است، اما اغلب کتابداران مرجع خود قربانی خشه حاصل از اضافه بار اطلاعاتی هستند. مرجع، فرایند ارزیابی و انتخاب مناسب‌ترین وسیله برای پاسخ به یک سؤال است؛ بنابراین به شدت خشه را کم می‌کند. اساساً کتابدار مرجع، متخصص یک پایگاه اطلاعاتی است نه کارشناس محتوای رشته‌های مختلف، و هیچ کتابخانه‌ای نیز قادر نیست تعداد زیادی از متخصصان موضوعی را به این کار بگمارد؛ بنابراین کتابدار مرجع بناچار اسیر اضافه بار اطلاعاتی است.

۱. مطبوعات و جهان معمولاً هر پنج سال دو برابر می‌شوند، در حالی که عناوین مطبوعات در ایران از خرداد ۱۳۷۶ الی خرداد ۱۳۸۰ از ۵۵۶ عنوان به ۱۴۲۰ عنوان افزایش داشته است.
۲. جان باد، همان ص ۲۳۴.
۳. همان ص ۲۳۴.
۴. همان ص ۲۳۴.
۵. همان ص ۲۳۴.
۶. همان ص ۲۳۴.
۷. همان ص ۲۳۴.
۸. همان ص ۲۳۴.
۹. همان ص ۲۳۴.